

## بخش یازدهم

از

ضد چریک

و

جنگ رهائیبخش ملی

هر نقشه نظامی اعم از جنگهای " منظم و یا غیر منظم " باید بر اساس اکتشافات لازم و تعمق دقیق دربر آورد :  
وضعیت نیروهای " خودی و دشمن " و همچنین روابط متقابل آن مبتنی و استوار باشد.

از : سرهنگ چیا

متفرق کردن نیروهای دشمن

این بخش : ( سیاسی - نظامی ) است.

یاشار کمال : نویسنده نامدار کرد در ترکیه ، درباره : سرکوب کردها در ترکیه : میگوید ( اگر دولت ترکیه بتواند همه دریاها را بخشکاند ، نمیتواند همه ماهی ها را بگیرد ).

ارتشهای اشغالگرد رکردستان ، بوسیله نظامیان جاه طلب و فررمایه رهبری و هدایت میشوند ، اینان دستگاه اصلی سرکوب بورژوازی دست نشانده د خدمت قدرتهای بیگانه را تشکیل میدهند . این ارتشها متفرعن و با خوی وحشی ، بیگانه با نیازها - و توقعات تودها - همچون نیروهای واقعی اشغالگران بیگانه رفتار میکنند.

با دستاویز قراردان : عدم دخالت در امور سیاسی ، **ونجات** " نظم ، قانون اساسی - ونهادهای دمکراتیک "؟! ، خود را به طبقه استعمارگر ، که قادرند با دست و دل باز مزد خدمات انجام شده آنان را پرداخت کنند ، وابسته اند .  
با اصطلاح دفاع از : سرحدات ملی که بطور انهام آمیز و خیالی مورد تهدید قرار گرفته است ، وجود ارتشهای " **حرفه ای و بدون تمایلات سیاسی** " را که فقط در مقابل اراده غیرملی سرخم میکنند ، میتواند توجیه کند.

**بدینگونه است** تاریخچه ارتشهای ممالک اشغالگر که در کردستان بصورت نیروهای سرکوبگرد آمده اند . به نوبه خود ، حکومتهای " ارتجاعی - استبدادی " در کردستان با مکر و حیله خاص خود اینطور وانمود میکنند که از " اختناق و سرکوب " نفرت دارند . در این کمده تراژدی ، در زیر سرپوشی از یک حاکمیت و قدرت تزلزل نا پذیر خود را **حافظ** " نظم و امنیت عمومی - و تمامیت ارضی "؟! ، **برعکس** ، خلق کرد - و بویژه ، مبارزان آنرا با اصطلاح دیروزی شان **راهزنان و اشرار** .... و در اصطلاح امروزیشان : **پیشقراولان راه** ( آزادی و استقلال ) خلق ستمدیده کرد را ، با برجسپ اتهام و افتراء : **تروریستها و محرکین جنگهای** گریلائی معرفی میکنند؟! . **لذا** : بر اساس قانون نیروهای ارتش وظیفه دارند که حساب خود را با آنها تسویه کنند . طبقات پرامتیاز نظامیان حکومت های اشغالگر که

از جاه طلبی ها و هوا و هوسهای یک زندگی مجال و مرفه ، تخدیر شده اند ، در واقع نقش هدایت و رهبری نیروهای سرکوب را ایفاء میکنند. در بین نظامیان ، تعداد بیشماری وجود دارند که از میان طبقات پائین تر برخوردارند ، تعلیم و تربیت دیده اند تا مأموریت با صطلاح " ملی "؟! خود را که همانا نابود کردن ( **خلق کرد - مبارزان** ) آنست. که برای بدست آوردن حقوق ( **ملی و دمکراتیک** ) خود مبارزه میکنند ، با موفقیت بانجام برسانند.

بطوریکه امکان هیچگونه بحث و گفتگویی متصور نیست ، **زیراکه** : اینان بنا بمنافع شخصی خود ، مدتهای مدیدی است که بحث و گفتگوبا اقلشار و طبقات مردم " **ستمیده و محروم** " کرد را رد - و بر روی آن خط قرمز کشیده اند ، **و در عالم سیاست** ، وقتیکه عدم امکان و محال بودن " **بحث و گفتگو** " ، اصل طرفداری از مخاصمه را بمیان کشید ، موقعیت حق تقدم داشتن " **تصادم و برخورد** " را بدنبال خواهد آورد. در مقابل این جنگ تحمیل شده ، **جنگجویان** ( ملی و انقلاب - بی ) همچون مبداء و مقدمه یک حماسه عظیم راهنابخش ملی در میان خلق ناگهان ظاهر میشوند.

**وقتیکه میگوئیم** : برای خورد کردن دشمن از نظر تاکتیکی ، **وازیای در آوردنش** از نظر استراتژیکی ، باید او را متفرق و پراکنده کرد ، صحت و درستی این اصل بطور وسیع در تجربیات خلقهای دیگر به اثبات اسیده است. **برای ما** از پای در آوردن نیروهای دشمن از نظر استراتژیکی ، **باین معنا است که** : آنها را در تحت فشار یک مبارزه - که محک های قضاوت را در اختیارشان قرار خواهد داد - **و بدین ترتیب آنها را مجبور به درک حقیقت نمائیم.**

**امید باینکه** : از نظر حقوق حقه و مشروع " **ملی - و دمکراتیک** " مردم کرد ، یکی از کشور های اشغالگردست نشا - نده را بتوان قبل از آغاز مبارزه مسلحانه ( ملی و انقلابی ) واداره درک و قبول این حقانیت کرد ، **خیالی پوچ و واهی بیش نیست.** و این خیال غالب اوقات بدر این میخورد که فقط خط مشی بدبینانه - تسلیم طلبانه را مخفی کرد .

**بطور اساسی - و تجربی** : فقط موفقیت های نظامی است که یک نفوذ و تاثیر ( سیاسی - نظامی ) قابل توجه را بویژه ، بر روی ( نیروهای دشمن ) بواحدهای " **چریکی یا گریلائی** " عرضه میکند. اگر دشمن نیرو هایش را متمرکز کند ، میدان عمل را از دست میدهد ، **بر عکس** ، اگر نیرو هایش را متفرق کند ، توانائی و قدرتش را از دست میدهد. این اصل جنگی که بنحوگویی بیان شده است ، **برای ما** : در یک استراتژی کلی جنگ " **چریکی یا گریلائی** " - منطقه - ای و ملی ، **مهمترین و تعیین کننده ترین اصول نظامی را در بر دارد.**

**شرایط پیروزی بيمين** " **تجارب تلخ و اندوهبار** " در کردستان ، امروزه کاملا معین و مشخص شده است. هر سازمان ( سیاسی - و نظامی ) اسلحه بدست باید به ایجاد یک جبهه میهنی راهنابخش ملی - یا یک جبهه متحد مبارت و رزد .

**بيمين** این تداخل و ادغام " اورگانیک " ، در تحت رهبری تمرکز یافته - که جهت گیریهای استراتژیکی را در یک مقیاس ملی مشخص خواهد کرد ، اتحاد و پیوند با مترقی ترین قشرها امکان پذیر خواهد گردید. توسعه و گسترش این جبهه میهنی ، در انفجار و تلاشی پایگاههای " سیاسی - بوروکراتیک و نظامی دشمن نقش مهمی را ایفاء خواهد نمود.

این هدف علیرغم روحیه دسته بندی ، در یک فضای کلی فقدان صداقت و اعتماد ، که در حال حاضر وجود دارد ، فی البداهه قابل دسترسی بنظر نمیرسد. **مضافا** : هنوز پاره ای علایق به " فرمانروائی و فرماندهی " حذف و محو نشده ، و در لافه و سوساهای اصول گرائی مزی شده - و به حیات خود ادامه میدهد. بعدها ، گسترش متوالی مبارزه تودها در سطح : ( انقلاب دمکراتیک ملی ) راه حلها و سلسله مراتبی از پایه را تحمیل خواهد کرد - و خود خواهی های و جاه طلبی های فروگرایانه یا گروهی را کنار خواهد زد.

**باید هم بدینگونه باشد** - و موضع گیری باید بوسیله حس رقابت " **ملی و انقلابی** " دیکته شود ، زیرا به تجربه و در عمل ثابت شده - که هیچیک از شیوه های دیگر نخواهد توانست در یک پروسه " **ملی و انقلابی** " مدلی برای ارزشهارا ارا - نه دهد.

**بنا بر آنچه که اشاره شد** ، اینطور بنظر میرسد که : اتفاق و اتحاد جنبشهای ( سیاسی - و نظامی ) در کردستان تحقق نخواهد یافت ، مگر هنگامیکه هر یک از جنبشها قسمت مهمی از مرحله جنگ راهنابخش را جداگانه و مجزای کرده - و در جریان آن هرگونه توهمی را از دست داده باشد. با رد شدن و پشت سر گذاشتن این مرحله ( استقلال جوئی و الحاق

طلبی) بخشهای تجزیه شده، شاید وقتیکه مناطق عملیاتی در نهایتهای خود باهم تلاقی کنند، گروههای چریکی یا گریلائی خواهند توانست بصورت ارتش منظم درآمده و به مرحله بعدی یعنی تعادل وارد گردند.

**د ر اینحال**، **جبهه میهنی** مشاهده خواهد کرد که: ناچار است بطور تصاعدی با جنگ محلی، یعنی در زمانیکه جنگ جنگ مخصوص با شکست و نا کامی مواجه شده است - با شرکت نیروهای ممکن الحصول و مطیع بیک استراتژی ضد (ملی و میهنی) در مقیاس سرتاسری دست و پنجه نرم کند. اینها نیروهای مخصوص اشغالگران هستند، **برای اینکه** بروی اعمال "استعماری" خود در امور (جامعه و سرزمین) ما سرپوش بگذارند، **با چهره بزرگ کرده "حفظ تمامیت ارضی و امنیت عمومی"** وارد میدان میشوند.

فوری ترین امور از نظر تاکتیکی بمنظور نابود کردن دشمن، عبارتست از: تفرقه و پراکندگی استراتژیکی کلیه نیروهای ضد شورش - ویاری دهندگان آنست. بنا بر این واضح است که دسته بندی کمی و تفرقه و پراکندگی کمی واحد های "چریکی یا گریلائی - پیشمرگه یا پارتیزان" را باید یک امر منفی تلقی کرد. زیرا، **اولی**: (دسته بندی کمی) دشمن را متفرق نمیکند، **دومی**: او را نابود نمیسازد، **وبالآخره**، **هیچیک از ایندو**، دشمن را ضعیف نکرده - او را از پا در نمیآورد. **وسرانجام کار باینجا خاتمه مییابد که**: اینگونه (واحد های چریکی یا گریلائی) بیک ادامه حیات بصورت مزمن درآمده گرفتار شوند، و یا از بین بروند.

در مورد دسته بندی، وخامت مسائل تدارکاتی یک عامل تعیین کننده است. این ادامه حیات، بصورت یک نوع (تبلیغات مسلحانه) مخفی با اثرات نامشهود سیاسی در میآید، و در چنین حالتی فقط در سرزمینهای وسیع، با جنگلها یا کوهستانهای قابل نفوذ (این ادامه حیات) امکان پذیر خواهد بود. و تا وقتی دوام خود داشت که: **چریکها یا پارتیزانها - پیشمرگه ها یا گریلاها** بتوانند انواع مصائب و گرسنگیها را متحمل شوند... و یا دلخوش باشند که هر چند ماه یکبار چند نفر از نیروهای دولتی را از پای در آورند.

**تکرار میکنم**: آنچه امروز اهمیت دارد این نیست که مجموعی مرکب از "پانصد یا هزار" پیشمرگه یا گریلا در اختیار داشته باشیم که آمادگی مقابله با ضد چریک را دارا باشند.

آنچه (اکنون) مورد نیاز است، جبهه یا دسته های متکی بخود میباشد، با حد متوسط دو یا چهار گروه پیشمرگه یا گریلا جمعاً بین "بیست تا پنجاه" نفر که بطور متقارن در بخشهای مختلف یک منطقه عمل کنند، ضد چریک را متفرق و پراکنده سازند، و نیز دسته های مامور: برنامه ذله کردن و بستوه آوردن او را نابود کرده - و از بین ببرند.

صحت و درستی این نکات وقتی بشدت خود نمائی میکند که: فصل مربوط به اشکال عملیاتی ضد چریک را، که از برنامه: ذله کردن و بستوه آوردن تا محاصره تاکتیکی ادامه پیدا کند... یکبار دیگر مورد مطالعه قرار دهیم.

همینکه ترجیح بند مقاصد استراتژیکی اش تحقق یافت، ضد چریک "نیروهای دولتی" ترجیح میدهد که بجای پنجاه پیشمرگه یا گریلا با هزار نفر از آنها طرف شود. هر قدر جنگل بزرگتر باشد، هیزم شکن خوشحال تر است!.

یک جبهه اولیه یا پایه ائی، نیرو و قدرت پیشمرگه یا گریلا وقتی متکی بخود بشمار می رود که: **در آن مهمترین مسئولان ملی یا منطقه ائی یک جنبش مسلحانه شرکت نمایند.**

مسئولان جبهه جدید، باید اطلاعات جغرافیایی منطقه را در اختیار داشته باشند - و این اطلاعات را مورد مطالعه قرار دهند. این اطلاعات شامل: (دهکوره ها، جاده ها، رودخانه ها، مناطق کوهستانی، جنگلها، رابط ها و ... غیره) خواهد بود. لازم است تاریخ های ممکن برای اجتماع فصلی تا سالانه مقرر گردد.

همینکه اجتماع مورد نظر تحقق یافت، و نتایج عملیات انجام شده مورد ارزیابی قرار گرفت بر اساس شرائط موجود تصمیم گرفته خواهد شد.

1 - خواه عملیات در ناحیه جنگ چریکی یا گریلائی - یا منطقه تهیه و تدارک شده ادامه یابد، خواه یک ناحیه دیگر اشغال گردد، 2 - هر جبهه جدید "چریکی یا پارتیزانی" باید بطور دقیق خط مشی استراتژیکی مشترک را دنبال کند، و در عین حال خود مختاری لازم برای ابتکارات تاکتیکی اش را در عملیاتی که بعهده اش محول شده است،

محفوظ دارد مانند : 1- جنگیدن درمنطوه ائی با دفعات مشخص و معین ، 2- ازبین بردن خبرچینان و جاسوسان ، 3- مصادره بانگها ، 4- درتافت تجهیزات و نفرات جدید و غیره . ولی در صورتیکه ماموریت ویژه آن جنگیدن است - همینکه با منطقه آشنائی پیدا کرد و منابع آذوقه و خواربار خود را شناخت - همواره باید درصدد تحریک دشمن برآید . درپراتیک ، این امر جزئی از مرکزیت بدون تمرکز ( اجازه اخذ تصمیم و خود مختاری بواحد های "چریکی یا پارتیزانی" ، در قلمروهای کم و بیش مشخص ) بشمار میرود که برای توسعه و واقعی کار عملیاتی در یک جنگ چریکی یا گریلائی لازم و ضروریست .

از طرف دیگر ، با گشایش جبهه های جدید ، با متفرق و پراکنده کردن ضد چریک ، امکان نابودیش فراهم خواهد شد ، و بی تفاوتی و عدم توجه به منطقه گرائی در جنبش ما یک فضای متجانس جنگ " پیشمرگه ائی یا گریلائی را بوجود خواهد آورد . بدینگونه : اولین گامها بطرف خلق - و ایجاد یک نیروی عقیدار جزئی و نا کامل برداشته خواهد شد و نواحی " چریکی یا گریلائی " و مناطق تهیه و تدارک شده بصورت ( پایگاههای جنگ گریلائی ) تغییر شکل خواهد داد .

همانطویکه قبلا اشاره شده : با ایجاد بنیادهای جبههء میهنی رهائیبخش ملی میتوان به نیروهای اشغالگر شبیخون زد .

**کمین های نابود گرانه . . . ادامه دارد**

لطفا مطالب این بخش و بخشهای ( گذشته و آینده ) آنرا برای آگاهی - و آموزش ( پیشمرگه ها - گریلاها و کادرها ) طبع و منتشر فرمائید . متشکرم

[Chia.rabii@yahoo.com](mailto:Chia.rabii@yahoo.com)

مالمو سوئید .